

Huj. Mohsen Qara'ati's Methodology in Answering Religious Doubts

Received date:2022.06.28 Accepted date: 2022.09.04 Sayyed Mohammad Mahdi Mosavinia*
Mohammad Baqir Pouramini**

Abstract

Re-reading the words and speeches of the professor Qara'ati to a large extent tells some of their characteristics in the field of answering doubts, which can help the strategic model of others. From one point of view, four index components can be extracted from the Qara'ati's answers.

1. Regarding "Techniques and Style of Answering Doubts": Attention to the analogical technique of the components with the age and type and requirements of the audience, using the Qur'an as a method of interpreting the Qur'an as well as using it. 2. attention to substantial and documented scientific tools: Here we see that he is not limited to raw and narrative interpretative sources, as he cites Arabic literature, evidence and intellectual and narrative analysis.3. Not neglecting the "ethology of doubt": in some cases, with or without mentioning the names and logos of well-known intellectual groups and on the thought and consciousness of the society, responding to the doubts of these currents, especially in many cases, using original texts and accepted by the same groups, they expressed.4. Paying attention to the valuable elements of "location and chronology" in response to doubts: this indicator is more important than scientific mastery and efficiency.

Keywords: Mohsen Qara'ati's, Quran, Doubt, Allagory.

*Ph.D Student of Seminary.

E-mail: mousaviniamahdi@gmail.com

**Assistant Professor at "the Theology Department" in Research Institute for Islamic Culture and Thought (ICT).

E-mail: pouramini47@yahoo.com

فصلية علمية محكمة
مطالعات شبهه پژوهی
سنة الأول، خريف ١٤٤٥هـ، العدد ١
مقالة محكمة

منهجية الأستاذ محسن قرائتي في الردّ على الشبهات

سيد محمد مهدي موسى نيا*

محمد باقر پورامينی**

الملخص

إن المعرفة بأساليب الرد العلمي على الشبهات ومؤثراته تعدّ لدى جمهور الدعاة والمبشرين والناشطين الدينيين بمنزلة عامل إستراتيجي وفعال في الردّ على الشبهات والشكوك. في هذا المجال وفيما بين العلماء المعاصرين، يعد الأستاذ محسن قرائتي من الشخصيات المشهورة والذي اجتهد في الدفاع عن الحدود العقائدية مهتمًا بهذه المهمة الهامة وفي ضوء التعاليم القرآنية. قد سعى هذا البحث بالمنهج الوصفي - التحليلي واستخدام المؤشرات الخطابية أن يستخرج ويشرح أساليب الرد على الشبهات من منظور هذا العالم الديني. كما تم تعريف وذكر موضوعات وأشكال من هذا المنهج كمؤشرات لافتة بما فيها الاستخدام المكثف والفني لفن التشبيه والتمثيل، ومعرفة الشرائح والتيارات الفكرية للشبهات، وتطبيق منهج تفسير القرآن بالقرآن، والحوار بلغة القوم، ومعرفة العصر ومقتضياته في الرد على الشبهات.

الكلمات المفتاحية: محسن قرائتي، القرآن الكريم، الشبهة، التشبيه.

* الطالب الديني في السطح الرابع للحوزة العلمية بقم، والمجستير في تاريخ الإسلام، جامعة باقر العلوم (الكاتب المستول).

** أستاذ مساعد، قسم الكلام، مركز العلمى للثقافة و الفكر الإسلامى.

نشریه علمی
مطالعات شبه‌پژوهی
سال اول، پاییز ۱۴۰۲، ش ۱

روش‌شناسی استاد محسن قرائتی در پاسخ‌گویی به شبهات دینی

سید محمد مهدی موسوی‌نیا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۷ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳

محمدباقر پورامینی**

چکیده

آگاهی از شیوه‌ها و شاخصه‌های پاسخ‌گویی عالمانه به شبهات، به م‌ثابه عاملی راهبردی و کارآمد، در پاسخ‌گویی به شبهات توسط عموم مبلغان و فعالان حوزه دین شناخته می‌شود. در بستر این مهم و در میان عالمان معاصر استاد محسن قرائتی از جمله چهره‌های سرشناسی هستند که با اهتمام بر این وظیفه خطیر و در پرتو آموزه‌های قرآنی، سالیان متمادی در مسیر دفاع از مرزهای عقیدتی گام برداشته‌اند. در مقاله حاضر کوشیده شده است به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از شاخص‌های گفتمانی، شیوه‌های پاسخ به شبهات از منظر این عالم دینی استخراج و تبیین گردد؛ چنگک موضوعاتی از قبیل استفاده گسترده و هنرمندانه از فن تشبیه و تمثیل، طیف و تبارشناسی فکری شبهات، بهره‌گیری از روش تفسیر قرآن به قرآن، گفت‌وگو به زبان قوم و زمان‌شناسی در پاسخ به شبهات به عنوان مؤلفه‌هایی چشمگیر، در این مسلک معرفی و مصداق‌یابی شده است.

واژگان کلیدی: محسن قرائتی، قرآن، شبهه، تشبیه.

* طلبه سطح چهار حوزه علمیه قم، کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم (نویسنده مسئول).

mousaviniamahdi@gmail.com

pouramini47@yahoo.com

** استادیار گروه کلام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مقدمه

حجت الاسلام محسن قرائتی در ۱۳۲۴ شمسی در عصر پهلوی و برابر با دوره‌ای انباشته از تقابلهای حکومت با مظاهر اسلام، در خانواده‌ای متدین از اهالی کاشان متولد شد. در همین زمان جد ایشان در خانه شخصی اقدام به تشکیل جلسات قرائت قرآن می‌نماید. بعدها پدرش نیز از طریق تشکیل جلسات قرآنی در خانه‌ها، مساجد و تکایا راه پدر را ادامه می‌دهد و از همین رهگذر شهرت قرائتی‌تبویج بر این خاندان تثبیت می‌گردد. محسن قرائتی در عنفوان نوجوانی به توصیه پدر وارد حوزه علمیه می‌شود. از همان ایام در کنار تحصیل و به واسطه حضور مداوم در جلسات تفسیری شبانه و با عنایت به پیش‌زمینه‌های درون‌خانوادگی که برایش مهیا شده بود، به‌زودی انسی خاص با کتاب وحی گرفته، آرام‌آرام پای در مسیری می‌گذارد که همه ابعاد زندگی وی در سال‌های پسین را تحت تأثیر قرار می‌داد. چند سال بعد به گروه تدوین تفسیر نمونه پیوست و با پیروزی انقلاب نیز پای به عرصه تلویزیون نهاد و از آن زمان به بعد به عنوان یک معلم قرآن، به اجرای برنامه پرداخته است. وی در طول سالیان متمادی فعالیت در حوزه ترویج معارف دینی، رابطه خود با اقشار مختلف جامعه به‌ویژه نسل جوان را حفظ نموده و در این رهگذر جایگاهی ویژه بین عوام و خواص پیدا کرده است. در این میان اما عامل اساسی که موجب استقبال افزون مردم از گفتارهای این مبلغ و مفسر قرآنی می‌گردید، وجود تفاوت‌هایی بارز، بدیع و ابتکاری در نوع تعلیم و تبلیغ ایشان بوده است.

از استاد قرائتی آثار نوشتاری و شفاهی فراوانی وجود دارد که غالب آن در اختیار عموم مردم قرار داده شده و می‌توان با واکاوی و تحلیل کمی و کیفی درون‌مایه‌های متنی این آثار، به موضوعات خرد و کلان فراوانی که در طول همه این سال‌ها مورد توجه ایشان قرار گرفته است، بارزترین دغدغه‌های تعلیمی و تربیتی و نیز برجسته‌ترین شیوه‌های تبلیغی ایشان دست

یافت. در مقاله پیش رو تلاش شده است دیدگاه‌های قرآنی و روهای ایشان به مَثابه یک مفسر، مبلغ، معلم و قرآن‌پژوه موفق و صاحب سبک و ایده در زمینه پاسخ‌گویی به شبهات مورد بررسی قرار گیرد.

الف) ضرورت تحقیق درباره روش‌های مؤثر در پاسخ به شبهات

بایستگی شناخت و پاسخ‌گویی به شبهات دینی امری مستحدث به شمار نرفته و این موضوع همواره به عنوان یک تکلیف دینی متوجه حافظان شریعت بوده است. در قرآن کریم به مسئولیت انبیای راستین و اولیای الهی در رفع شبهات اشاره شده است (قرآنی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۷۳) و چنان‌که در داستان‌های قرآنی انبیای الهی نیز به نقش و وظیفه ایشان در پاسخ‌گویی به شبهاتی چون بشر یا فرشته‌بودن پیامبر و علت تغییر قبله تصریح شده است (برای نمونه ر.ک: انعام: ۹/۹ آل عمران: ۹۶-۹۷/ اسراء: ۹۷/ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۲۹/ خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۰/ قرشی بنایی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۱۴۹).

ائمه هدی علیهم‌السلام نیز در مواضع گوناگون بر اهمیت این موضوع تصریح کرده و حتی شاگردان سرشناس خود را در جهت ایفای صحیح این مهم آموزش داده‌اند؛ چنان‌که امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام درباره خطراتی که از ناحیه شبهه و شبهه‌افکنان متوجه امت اسلام است، فراوان هشدار داده‌اند؛ در موضعی به معرفی ماهیت شبهه می‌پردازند (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۸۱): «شبهه را به این دلیل شبهه می‌گویند که شبیه حق است؛ اما چراغ اولیای خدا در امور شبهه‌ناک یقین و راهنماییشان راه هدایت است؛ ولی دعوت‌کننده دشمنان خدا به مسیر شبهه ضلالت و راهنماشان کوردلی است» (همو، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۲۳). در موضع دیگر به قصد و هدف دشمنان از انتشار شبهات تصریح می‌کنند: «از شبهه حذر کنید؛ زیرا که شبهه به قصد فتنه ساخته شده است» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۵۵) و در جای دیگری این گونه از منتشرکنندگان امور مشتبّه در میان امت یاد می‌کنند: «به راستی که منفورترین

مردمان نزد خدا دو کس می‌باشند: کسی که خداوند او را به خودش وا گذاشته است... و کسی که جهالت و نادانی را از این سو و آن سو فراهم آورده و در میان نادانان این امت تاخت و تاز می‌کند... [او] در برابر ابهام شبهات، همچون تار عنکبوت است، نمی‌داند درست دآوری می‌کند یا نادرست» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۹). بدین ترتیب و مطابق تعالیم قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام شناخت و پاسخ‌گویی به شبهات وارده بر دین و مذهب، امری بایسته و ضروری است که ایفای آن در وهله نخست به‌ویژه بر گرده عالمان و منادیان دین و دیانت قرار داده شده است. در طول تاریخ اسلام، چه در عصر حضور معصومان علیهم‌السلام (ر.ک: محقق‌گرفی، البرز و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۸۷-۱۱۴) و چه پس از آن عالمان دینی به مَثابه مرزداران اندیشه اسلامی و مدافعان حق و حقیقت و وظیفه رصد شبهات وارده از سوی افراد و گروه‌های مختلف را پذیرفته و هر یک با استفاده از تخصص خود در یک یا مجموعه‌ای از رشته‌های علوم اسلامی اقدام به رفع و دفع شبهات دینی کرده‌اند.

ب) مفهوم‌شناسی واژه شبهه

واژه شبهه در لغت عرب به مفاهیمی چون شک و شبهه، امر مشکل، سخت و نامعلوم، امر پنهان و مبهم معنا شده است. این کلمه در امور شرعی به معنای آنچه حلال یا حرام بودنش روشن نیست و در امور اعتقادی به معنای چیزی که حق یا باطل بودنش مشخص نیست، به کار رفته است. گفته شده امر مشتبه را از آن جهت شبهه‌ناک می‌نامند که تنها شبیه امر ثابت و مسلمی است؛ اما در نفس‌الامر چنین نیست (ر.ک: جوهری، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۲۲۳۶/ حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۳۳۵۸/ ابوجیب، سعدی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۸۹). در نتیجه برخی لغویون در تعریف آن نوشته‌اند: «أَنَّ الشَّبْهَةَ اسْمٌ مِنَ الْأَشْتِبَاءِ وَ هِيَ مَا بَيْنَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ الْخَطَاةِ وَ الصَّوَابِ: شبهه اسمی برگرفته‌شده از کلمه اشتباه است و این کلمه در چیزی اطلاق می‌شود که مردد میان حلال و حرام و در مسیر درست یا خطا مانده است» (تهانوی، ۱۹۹۶م، ج ۱، ص ۱۰۰۶).

ج) اهمیت پاسخ به شبهات در اندیشه استاد محسن قرائتی

استاد قرائتی از ابتدای شروع فعالیت‌های تبلیغی، لزوم پاسخ به شبهات به‌ویژه شبهات نسل جوان را مورد توجه قرار داده است. وی شبهات را به خاری در پا یا تیغی فرورفته در مغز تشبیه می‌کند که با وجود آن، حرکت و اندیشه و اعتقادیافتن و نجات از وسوسه‌ها بسیار مشکل است (قرائتی، نرم‌افزار مجموعه آثار، برنامه درسهایی از قرآن سال ۶۱، ص ۶). بنابراین اهمیت پاسخ متقن به شبهات را در موقعیت‌های مختلف یادآوری و خطرات ناشی از عدم پاسخ‌گویی صحیح به شبهات را بارها گوشزد کرده است؛ از جمله در این زمینه چنین ایراد نموده است:

۱۵۷



اگر ما قوای نظامی می‌خواهیم، نیروهای مسلح می‌خواهیم که مرز را حفظ کند، مرز فکری را هم باید یک گروهی حفظ کنند. حفظ مرز فکری کمتر از حفظ مرز آب و خاکی نیست. چقدر بودجه می‌گذاریم برای اینکه مرز آب و خاک حفظ بشود؟ لب مرزها نیروهای مسلح هستند. همین طور که حفظ مرز خاکی مهم است، حفظ مرز دینی هم مهم است. اگر یک کسی یک اشکالی کرد، یک شبهه‌ای کرد، باید یک گروهی باشند؛ مثلاً یک جایی که آتش گرفت، باید آتش‌نشانی باشد، مریض شدند باید پزشک باشد، اگر یک وقت اشکالی شد، باید یک جمعی اسلام‌شناس بتوانند دفاع کنند (همان، برنامه درسهایی از قرآن سال ۸۱، ص ۳).

به نظر نمی‌رسد راهنمایی والاتر از کتاب آسمانی در مسیر تبیین اهمیت و کیفیت پاسخ‌گویی به شبهات در اختیار بشر قرار داده شده باشد. بر همین اساس استاد قرائتی با بهره‌گیری و استعانت از نکات و پیام‌های صریح و ضمنی در آیات قرآن، به معرفی قواعد راهبردی مهمی در زمینه ضرورت شبهه‌یابی و شناخت شبهه‌افکنان پرداخته است که یازده اصل یا الگوی ذیل نمونه‌ای از همین مهم و حاصل واکاوی در گفتمان تبلیغی ایشان با تکیه بر خصوص مأخذ قرآن می‌باشد:

۱. پاسخ به شبهات به م. ثابته مصداقی از جهکبیر (قرائتی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۲۶۸)؛
۲. پاسخ به شبهه به م. ثابته یکی از مسئولیه‌ی انبیا (همان، ج ۹، ص ۲۶ و ج ۵، ص ۷۳)؛
۳. شناخت شیوه‌یایی القای شبهه از سوی شبهه‌افکنان (همان، ج ۹، ص ۴۳۱)؛
۴. ضرورت پاسخ به شبهات مطروحه بدون توجه به غرض‌ورزی شبهه‌افکن (همان، ج ۹، ص ۴۳۱)؛
۵. ضرورت پاسخ متناسب به شبهات (همان، ج ۱، ص ۳۳۸)؛
۶. شناخت خرگه‌یایی به م. ثابته عامل توسعه شبهات (همان، ج ۲، ص ۵۶۳)؛
۷. ضرورت کسب آمادگی قبلی برای پاسخ به شبهات (همان، ص ۵۷۷)؛
۸. شناخت و مقابله با شبهه به م. ثابته راه نفوذ دشمن (همان، ج ۳، ص ۷۰)؛
۹. لزوم پاسخ قاطع به شبهات (همان، ص ۱۰۳)؛
۱۰. لزوم ارائه پاسخ مبتنی بر منطق مدارا (همان، ج ۹، ص ۲۵)؛
۱۱. لزوم آماده‌سازی جامعه در برابر شبهات احتمالی (همان، ج ۵، ص ۳۰۰).
- د) استخراج الگوها و شیوه‌های پاسخ‌دهی استاد قرائتی به شبهات
- هر یک از متفکران دینی در پاسخ به سؤالات و شبهات، از مدل یا الگوی فکری و علمی خاصی استفاده کرده‌اند که توجه دانش‌پژوهان و مبلغان به این مدل‌ها، راهگشای ایشان در حل مسائل و شبهات نوین علمی خواهد بود؛ البته باید توجه داشت زمانی که از مدل فکری یک شخصیت علمی در پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات سخن می‌گوییم، این موضوع غالباً به معنای تدوین مستقیم این الگو توسط خود آن شخص نیست، بلکه چه بسا استخراج این مدل بعدها و طی فرایندهای علمی همچون تحلیل گفتمان و نقد و بررسی آثار و گفتارهای منتشر شده از آن شخصیت حاصل شده است. با عنایت به این مقدمه و در ادامه گفتار، به ارائه شاخص‌ترین روش‌های پاسخ‌دهی استاد محسن قرائتی به شبهات خواهیم پرداخت.

۱. استفاده گسترده از فن تشبیه و مثل

تشبیه به معنای مانند کردن چیزی به چیز دیگر در صفت یا کیفیتی است (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۳۳۶۸) و هدف اساسی در تشبیه آن است که معنای مورد نظر گوینده را به تصویر کشیده، در برابر دیدگان شنونده ترسیم کند. واژه م مثل نیز به معنای شباهت دو چیز در

صفات و ویژگی هاست. «وَلَمْ يَكُنْ» (مثل) «بِه م شِئًا» به شالِخه از فن تشبیه [نیز با تفاوت معنایی اندک در جایی به کار می‌روند که بین دو چیز در صفات و خصوصیات هذلی و باطنی، شباهت و به تعبیری م ثلثیت باشد (محمدی ری شهری، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۳۸۹).

محسوسترین فایده تشبیه و تم شیل می‌توان تسهیل و تسریع در فهم مخاطب عنوان کرد؛ زیرا مفاهیم معقول گاه چنان ظریف و پیچیده که جز از راه تم شیل قابل فهم و تفهیم نیستند؛ از همین سوت که بسیاری، تم شیل را تشبیه معقول به محسوس دانسته‌اند (همان، ج ۴، ص ۳۸۹).

آنچه بر اهمیت کاربرد تشبیه و نیز تم شیل افزوده، استفاده فراوان از این دو اسلوب در قرآن است؛ بزای نمونه زندگی دنیا به آبی فروریخته شده از آسمان (یونس: ۲۴) و عمل منافقان به کسی تشبیه شده است که آتشی را بر می‌افروزد و در مقابل، استواری ایمان به بنیان مرصوص یعنی بنایی پولادین تشبیه شده است (بقره: ۱۷). در این رابطه و از نظر علامه طباطبائی کاربرد م مثل در قرآن از این روست که آستلین راه برای تبیین حقایق و دقایق می‌باشد؛ چنان که عالم و عامی هر دو و هر یک در سطح و مرتبه خاص خود از آن بهره‌مند می‌شوند؛ همچنین و از آنجا که فهم همگانی بشر از لایه محسوسات طبیعی فراتر نمی‌رود، برای اینکه معانی غیر مادی به همگان تفهیم شود، کلرگیری ام مثل ضرورت یلیند (محمدی ری شهری، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۶).

با نظر داشت به این مقدمه و زمانی که به متن گفتمان‌های ارائه شده از سوی استاد قرائتی توجه می‌کنیم، چه بسا بتوان مهم‌ترین و متمایزترین مؤلفه در شیوه پاسخ‌دهی وی به شبهات

را در زمینه به‌گیری گسترده و متنوع از فن تشبیه و تمثیل دانست. در این زمینه توان به نمونه‌های شیماری اشاره کرد. استاد خود در باب لزوم کاربرد تشبیه و تمثیل در تبلیغ و شیوه بهره‌گیری از آن در قرآن می‌نویسد:

یکی از بهترین روش‌ها برای فهماندن مطالب به مردم، خصوصاً کسانی که سواد چندانی ندارند، استفاده از مَثَل‌های محسوس و مناسب با محیط است؛ زیرا مردم با این موارد بیشتر سروکار دارند و با حواس ظاهری خویش آنها را درک می‌کنند؛ بر خلاف مسائل عقلی که فهم آنها احتیاج به کندوکاو شدید ذهن دارد. از این روست که خداوند متعال به این مسئله اهمیت دهد و قرآن کریم سرشار از مَثَل‌های مختلف و ساده است... در قرآن برای هر

۱۶۰ محیطی هلی مثال‌سب با آن استفاده شده است؛ برای مَثَل شتر را مَثَل‌زنم که عرب‌ها

بیشتر با آن سروکار دارند: «افلا ينظرون الی الابل کیف خلقت» (غاشیه: ۱۷). یا از مَثَل‌های مربوط به کشاورزی و گیاهان استفاده می‌کند (ر.ک: بقره: ۲۷۴) که مردم با این مسائل بیشتر سروکار داشتند (قرآنی، ۱۳۸۹، ه، ص ۱۵۳، با تلخیص).

در جدول ذیل، نمونه‌هایی از خیل عظیم مَثَل‌های بیان‌شده توسط ایشان ذکر شده است:

جدول ۲: نمونه تمثیل

موضوع شبهه	تمثیل کلر گرفته شده توسط استاد قرآنی
عدالت خداوند (فرق تبعیض با تفاوت)	تبعیض ظلم است نه تفاوت؛ انگشت‌های یک دست با هم تفاوت دارند، اما این ظلم نیست؛ چون هر کدام خاصیت ویژه‌ای دارند. سلول استخوان با سلول چشم فرق می‌کند، اما این بی‌عدالتی نیست، بلکه عین عدالت است؛ چنان‌که قطر و ضخامت ستون‌ها و تیرآهن‌ها در طبقات پایین ساختمان بیشتر از طبقات بالاست. در اینجا نیز تفاوت وجود دارد، اما ظلم نیست. کارخانه‌ای را فرض کنید که هم پیچ و مهره کوچک می‌سازد و هم تیر ماشین بزرگ، آیا به خود اجازه می‌دهید به

<p>خاطر تفاوت میان پیچ و مهره و تایر به مؤسس کارخانه نسبت ظلم دهید؟ (قرآنی، ۱۳۸۹، ب، ص ۱۲۰).</p>	
<p>* اولاً فلش کامپیوتر جواب امامت امام زمان <small>علیه السلام</small> است. فلش یک سانت در یک سانت است. حالا بچه سه ساله وجود کاملی است؛ در حالی که این فلش یک سانت در یک سانت است.</p> <p>* دوم اینکه فلز است. عقل و شعور هم که ندارد. همین فلش کامپیوتر وصل به یک کامپیوتر که شد، در فاصله چند لحظه صد هزار صفحه کاغذ از اون فلز به این فلز منتقل می‌شود. این را چه کسی ساخته است؟ انسان، یعنی بشر چیزی ساخت که در چند لحظه صد هزار صفحه از آن فلز به این فلز، از آن جماد، به این جماد منتقل می‌شود. وقتی انسان می‌تواند یک چنین کاری بکند، خدای انسان نمی‌تواند علم امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> را به یک بچه سه ساله منتقل کند؟ انسان علم را از فلز به فلز منتقل می‌کند، آیا خدا نمی‌تواند علم را از انسان به انسان منتقل کند؟</p> <p>(http://fna.ir/eyeib)</p>	<p>شبهه امامت در عین کودکی (چگونه ممکن است امور مردم به یک کودک سپرده شود؟)</p>

۲. توجه به شبهات جریان‌های برجسته فکری - عقیدتی

یکی از نکات کلیدی در زمینه پاسخ به شبهه، توجه به شبهات تولیدشده توسط جریان‌ها و گروه‌های فکری - عقیدتی خاصی می‌باشند که به دلایل سیاسی و اجتماعی، گفتمان ایشان در جامعه نفوذ و بُرد افزون پیدا کرده است. این مهم مد نظر استاد قرآنی قرار گرفته و می‌توان به نمونه‌هایی از آن اشاره کرد.

شبهات تجربه‌گرایان

یکی از گروه‌های فکری که استاد قرآنی به بررسی شبهات وارده از سوی ایشان پرداخته

است، تجربه‌گراها [Logical positivism] می‌باشند که معتقدند نظریات علمی تنها زمانی معنادار و قابل اعتنا خواهند بود که بتوان به صورت تجربی آن قضیه را بررسی و تأیید کرد (ر.ک: مصطفوی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۵). از جمله شبهات این گروه مربوط به قضیه معراج و اشکالات فیزیکی وقوع این رویداد تاریخی می‌باشد. خلاصه‌ای از بیان استاد فزائتی درباره شبهات مطروحه از ناحیه ایشان چنین است:

بعضی در مورد معراج پیامبر ﷺ، سؤال‌ها یا شبهه‌هایی را مطرح می‌کنند؛ از قبیل اینکه در فضای بیرون جوّ هوا نیست، گرمای سوزان و سرمای کشنده هست، مشکل بی‌وزنی وجود دارد، اشعه‌های کیهانی خطرناک است، یک شب برای سیر در آسمان‌ها کوتاه است و اگر کسی بخواهد در فضا سیر کند، باید سرعتی شبیه سرعت نور یا بیشتر داشته باشد، برای فرار از جاذبه باید سرعتی معادل ۰۰۰۰ کیلومتر در ساعت داشت و امثال اینها.

پاسخ اجمالی شبهات این است: اصل معراج در قرآن و روایات متواتر آمده و آنچه مهم است، ایمان به اصل آن است و ایمان به جزئیاتش ضروری نیست. از طرفی معجزه باید عقلاً محال نباشد و چون معراج از معجزات پیامبر اسلام ﷺ است، مشمول قواعد کلی همه معجزات می‌شود. بقیه مشکلات و شبهات نیز با توجه به قدرت الهی قابل حلّ است. علاوه بر آنکه امروزه که انسان، هواپیما و قمر مصنوعی و سفینه‌های فضایی به کرات دیگر می‌فرستد، پذیرفتن معراج آسان است؛ چنان‌که قرآن جابه‌جایی تخت بلقیس را از کشوری به کشور دیگر در یک چشم به هم زدن مطرح می‌کند که این مسئله مشکل طیّ مسافت را حلّ می‌کند. بنابراین معراج لغو نیست، بلکه اسراری قابل توجه دارد. معراج اردوی خصوصی و بازدید علمی پیامبر بود، و گرنه خداوند بی‌مکان است (قرائتی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۸).

شبهات روشنفکران

یکی از گروه‌هایی که در سده‌های اخیر و فارغ از نیت و غرض شبهات فراوانی بر دین و

فهم سنتی از آن وارد کرده‌اند، گروه موسوم به روشنفکرانی دینی‌اند که در بستر قرائت‌های متفاوت از دین و نیز اعتقاد به پلورالیسم دینی، اقدام به تولید شبهه در حوزه دین می‌کنند. شبهات وارد شده از سوی این قشر از آن جهت که غالباً در محافل علمی و دانشگاهی مطرح می‌گردد، بُرد و نفوذ قابل توجهی در میان قشر تحصیل کرده جامعه پیدا کرده است؛ لذا پاسخ‌گویی به آن از اهمیت افزونی برخوردار است. استاد قرائتی با توجه به این مهم و در خلال درس گفتارها به بخشی از شبهات این قشر توجه داشته‌اند؛ از جمله می‌توان به مورد زیر اشاره کرد:

سؤال: چه اشکالی دارد که همه ادیان برحق باشند (پلورالیسم دینی)؟

پاسخ: عقل حکم می‌کند از جامع‌ترین و کامل‌ترین و منطقی‌ترین و فطری‌ترین دین پیروی کنیم. قرآن نیز می‌گوید: **الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ** (زمر: ۱۸).

آیا می‌توان دینی را که در کتاب تحریف شده آسمانی‌اش به انبیا تهمت زده (انجیل یوحنا، ج ۱، ص ۱۱۲) و در آن افسانه‌های پللیه م مثل کششگی‌فتن حضرت یعقوب با خدا و غلبه او بر خدا (سفر پیدایش، ص ۴۳) و سکوت در برابر حاکمان ظالم به بهانه آنکه آنها حاکم و سایه خدا در زمین‌اند (انجیل متی، باب ۳۸، جمله ۹) مسائلی از قبیل تثلیث و جسم‌لفظ‌دن خدا و تناقض‌های متعدد در متن کتاب مقدس (انیس الاعلام، ج ۲، ص ۱۲۵) آمده است، آیا می‌توان این دین را در کنار دین اسلام گذاشت؟ در قرآن آیاتی پلورالیسم و تک‌شرگرایی را رد می‌کند: **«وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»** (آل عمران: ۸۵ / ر.ک: قرائتی، نرم‌افزار مجموعه آثار، مجموعه فیش‌های تبلیغی (۱)، امتیازات اسلام، ص ۲). ایشان همچنین در جای دیگری چنین می‌نویسند:

آیا ادیان همه می‌توانند حق باشند؟

پاسخ: اگر بگوییم همه حق برابر دارند (پلورالیسم دینی یا ک‌شرگوایی) پس باید تضاد و تناقض را بپذیریم (توحید و تثلیث و تناسخ و معاد) پس باید نظریات ضد شما و رقیب شما

هم حق باشد [و چنین چیزی قابل پذیرش نیست]. [به علاوه] آیات و روایاتی که [حاوی] ردّ عقاید دیگران است یا احتجاجات ائمه معصومان علیهم السلام [علیه سایر نحل و مذاهب] چیست؟

«وَلَعِنُوا بِمَا قَالُوا» (مانده: ۶۴). «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثَةٌ ثَلَاثَةٌ» (مانده: ۷۳). «ذَلِكَ مَبْلُغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ (نجم: ۳۰). «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران: ۱۹). «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ» (آل عمران: ۸۵/قرائتی، مجموعه فیش‌های تبلیغی (۶)، معرفت‌دینی، ص ۴).

درواقع از نظر استاد ذی‌الثی، آیات فوق به‌نوعی رد سایر ادیان و مکاتب فکری بوده و در

نقطه مقابل پلورالیسم دینی تفسیر می‌شوند.*

* بیان تکمیلی در خصوص نظریه پلورالیسم دینی آنکه اساساً این نظریه در راستای نفی انحصارگرایی دینی در آیین مسیحیت کلیسایی و مبارزه با تنگ‌نظری موجود در آن آیین مطرح شد و درواقع راه حلی بود برای پیروان ادیان و مذاهب دیگر دنیا که آنها نیز راهی به سوی حق و حقیقت داشته و بر مسیر هدایت و سعادت‌اند، نه فقط پیروان آیین مسیحیت یا صرف آیین خاص دیگری. ژرف‌کاوی‌های عقلی بر بطلان پلورالیسم دینی گواهی می‌دهد. این مسئله دلایل متعددی دارد؛ از جمله استلزام تناقض (نکته‌ای که مورد تصریح ذی‌الثی نیز بود و تفصیل آن، چنین است که ادیان موجود دارای آموزه‌هایی‌اند که بعضی از آنها با آموزه‌ها و عقاید دیگر ادیان در تضاد یا تناقض می‌باشد. بنابراین حقانیت همه آنها، مستلزم جمع‌ضدین یا جمع‌نقیضین است و چنین چیزی محال است؛ برای مثال آیین اسلام بر یکتایی خداوند و توحید در همه مراتب آن اعم از توحید ذاتی و صفاتی و توحید در فاعلیت تأکید دارد. در مقابل، مسیحیت قایل به «تثلیث‌یعنی خدای پدر، خدای پسر و خدای روح‌القدس است. زرتشتی‌گری نیز به «ثویت» و دوگانه‌انگاری در آفرینش گرایش دارد. هر یک از این آموزه‌ها نافی دیگری است. بنابراین اگر هر سه دین برحق باشند، باید هم یکتاپرستی صحیح باشد، هم دوگانه‌پرستی و هم سه‌گانه‌پرستی. چنین چیزی به تناقض می‌انجامد و محال است. لازمه دیگر این نظریه ابطال همه ادیان است و پنداره پلورالیسم سرانجامی جز باطل‌انگاری همه ادیان ندارد؛ زیرا این انگاره از سویی به حقانیت همه ادیان حکم می‌کند و از دیگر سو ادیان موجود معمولاً حقانیت عرضی یکدیگر را نفی می‌کنند. نتیجه این تعارض چیزی جز باطل‌انگاری همه ادیان و شکاکیت و سرگردانی نیست. درواقع بر اساس این انگاره دین الف دین ب را باطل می‌انگارد و دین ب دین الف را و فرض آن است که هر دو برحق‌اند. بنابراین از حقانیت هر دو اجماعی مرکب بر بطلان هر دو حاصل می‌شود؛ زیرا یگانگی خداوند، مساوی با نفی دو یا سه‌انگاری

ایشان در پاسخ به شبهات حوزه سکولاریسم دینی، با استناد به آیات قرآن ادله‌ای ذکر می‌کنند که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

ادله سکولاریزم

دلیل: احکام سیاسی و اجتماعی تغییرپذیرند، در حالی که دین ثابت است.

پاسخ: اولاً نه همه دین ثابت است و نه همه احکام سیاسی و اجتماعی متغیر.

«الان خففَ اللهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا» (انفال: ۶۶).

ثانیاً تغییرات دینی بر اساس روش بیت است که باید تدریجی باشد؛ مثلاً شراب و ربا

در چند مرحله حرام شد؛ مثلاً آیاتی که با جان و مال سروکار دارند، در سال پانزدهم بعثت

(یعنی دوم هجری) نازل شد؛ مثلاً قانون زکات، روزه، جهاد و خمس. ثالثاً در خود دین

ناسخ و منسوخ نیز وجود دارد، اما ناسخ و تغییر باید از طرف همان کسی باشد که قانون را

آورده نه مردم.

دلیل ۲: سیاست نامقدس و دین مقدس است، پس باید از هم جدا باشند.

اوست؛ در حالی که ثنویت و امثال آن به خدایی بیش از یکی اقرار دارد. بنابراین حقانیت همه آنها یعنی اینکه خدا هم بیش از یکی است و هم نیست و این تناقض است و محال. اشکال مهم دیگر بر این نظریه آن است که زیرساخت تئوریک انگاره پلورالیسم نسبیّت معرفت یا نسبیّت حقیقت است. بر اساس این گمانه هیچ حقیقت مطلق و پایداری وجود ندارد و اگر وجود داشته باشد، قابل شناخت نیست. چنین پنداره‌ای از جهاتی چند آسیب‌مند و ویرانگر بنیادی معرفت می‌باشد. از جمله ایرادهای وارد بر آن خودشمولی و خویش براندازی است؛ چراکه الف) اگر هیچ حقیقت مطلق و وجود نداشته باشد، سؤال می‌شود که همین گزاره مطلق است یا غیر مطلق؟ اگر مطلق است که خود را نقض کرده، زیرا نقیض سالبه کلیه موجه جزئی است و اگر غیر مطلق است، همین مدعا هم امری نسبی و زوال‌پذیر است و با زوال آن انگاره، رقیبش یعنی وجود واقعی مطلق تحقق خواهد یافت. پس در هر صورت واقعیاتی مطلق و پایدار وجود خواهند داشت؛ ب) اگر هیچ واقعیت مطلق شناخت‌پذیر نباشد، سؤال می‌شود که همین گزاره چگونه معرفتی است؟ نسبی یا مطلق؟ اگر مطلق است، خود را نقض کرده و اگر گزاره‌ای گذرا و نسبی است، پس جای خود را به انگاره رقیب یعنی وجود فهم‌های ثابت و پایدار از حقیقت می‌سپارد (ر.ک: شاکرین، ۱۳۹۰، ص ۵۴-۵۸).

پاسخ: اگر مراد از قداست آن است که هیچ کس سؤال و نقدی نداشته باشد، ما قبول نداریم. راه بحث و نقد و احتجاج همیشه باز بوده و هست. اگر مراد از قداست شیطنت است که حرف شما درست است؛ ولی اگر مراد از قداست آن است که دستورهای خداوند محدود است و تنها مربوط به مسائل روحی و شخصی و قیامت است، با صدها آیه و هزاران حدیث تضاد دارد. سیاست یعنی تدبیر امور که خداوند «يُدَبِّرُ الْأَمْرَ» (یونس: ۳). فرشتگان «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا» (نازعات: ۵).

دلیل ۳: امامان معصوم علیهم‌السلام رفتار غیر سیاسی داشتند و این رمز آن است که حساب دین از مسائل زندگی و سیاسی و اجتماعی جدا است.

پاسخ: سراسر زندگی ائمه علیهم‌السلام سیاست و تدبیر بوده و امام‌شناسی و تدبیرشناسی لازم است تا به بررسی بنشینند (قرآنی، مجموعه فیش‌های تبلیغی (۶)، معرفت‌دینی، ص ۵).

شبّهات وهابیت

یکی دیگر از گروه‌های فکری که شبّهات بسیاری از ناحیه ایشان در حوزه دین به‌ویژه علیه مذهب تشیع وارد شده، نحله وهابیت است. استاد قرآنی در مواضع مختلف ضمن تبیین کیفیت پدیدآمدن این نحله فکری به شبّهات وارده از سوی ایشان پاسخ داده‌اند؛ از جمله در موضعی به پنج شبهه رایج وهابیت به تفصیل پاسخ می‌دهند که در اینجا اصل شبهه و پاسخ‌ها به صورت اجمالی ارائه می‌گردد (ر.ک: همان، ص ۱۴):

جدول ۳. نمونه پاسخ‌ها به شبّهات وهابیت

پاسخ	شبهه وهابیت
<p>عده زیادی در یاری پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small> در جنگ شهید شدند، پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small> آنان را به خاک سپرد؛ اما سنگ بزرگی را روی قبر عثمان بن مظعون نصب کرد و فرمود: «چون او افسر</p>	<p>۱. ساختن گنبد و بارگاه بدعت است</p>

<p>شهیدان است، می‌خواهم قبرش معلوم باشد». ساختن گنبد و احترام مشمول «... لَتَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا» (کهف: ۲۱). «وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ» (حج: ۳۲).</p>	
<p>اینها تسویه را به معنای هدم و تخریب گرفته‌اند، در نتیجه دست به تخریب بقاع متبرکه زده و شیعه را متهم به شرک کرده‌اند. اولاً این حدیث فقط از ابی‌الهیاج اسدی نقل شده و کسی از صحابه نقل نکرده و دیگر اینکه جز این روایت از این فرد روایت دیگری نقل نشده است. ثانیاً تسویه نه در لغت و نه در استعمالات عرفی به معنای تخریب نیامده، بلکه معنای لغوی و عرفی آن تعدیل است. چیزی را در حدّ وسط قرار دادن و از افراط و تفریط دور داشتن: وَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي (حجر: ۲۹). مناسب‌ترین معنای تسویه تسطیح یعنی صاف کردن روی قبر در برابر (تسنیم) است؛ زیرا آن روز از رسوم جاهلی یکی آن بوده که روی قبر را (مسنماً)؛ یعنی بصورت پشت ماهی می‌ساخته‌اند و چون این کیفیت در شرع مکروه است، در حدیث امر به تسطیح شده است که در عین بلندبودن از زمین، صاف و مسطح باشد.</p>	<p>۲. تسویه قبور وهابی‌ها می‌گویند: عن ابی‌الهیاج حیان بن حصین الاسدی قال: قال لی علی بن ابی‌طالب: «أبع شک علی ما بع شی علیہ رسول الله ﷺ أن لا تدع تم ثالاً إلا طمسته و لا قبراً مشرفاً إلا سويته» (به نقل از: الطرائف، ج ۲، ص ۵۵۲).</p>
<p>وهابی‌ها می‌گویند: چرا شما بر امامانتان سلام می‌کنید، حال آنکه آنان مرده‌اند؟ می‌گوییم: این قرآن کریم است که صریحاً بر انبیا که در دنیا حیات و حضوری ندارند، سلام</p>	<p>۳. سلام کردن بر ارواح امامان</p>

<p>کرده است: «وَ سَلَامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ» (صافات: ۱۸۱). «سَلَامٌ عَلَی نُوحٍ فِی الْعَالَمِینَ» (صافات: ۷۹). «سَلَامٌ عَلَی إِبْرَاهِیمَ» (صافات: ۱۰۹). همین طور در تشهد نماز ۳ مرتبه سلام می‌کنیم. غزالی در احیاء العلوم از قول نافع چنین می‌گوید: «کان ابن‌عمر رأیته مئة مرة او اک شریجی الی القبر فبقول: السلام علی النبی، السلام علی ابی بکر، السلام علی ابی (البراهین الجلیة، ص ۵۸).</p>	
<p>۱- [در جای دیگر] این تیمیه می‌گوید: نه تنها پیامبر، بلکه تمام انبیا و صدیقین و غیر آنان درباره گناهکاران شفاعت می‌کنند تا عذاب نشوند و اگر وارد دوزخ شده‌اند، از آن بیرون آیند (به نقل از: الرسائل الكبرى، ج ۱ ص ۴۰۷). ۲- ایمان به قدرتی مستقل از قدرت خدا شرک است؛ ولی استمداد از قدرت‌ها با توجه به اینکه همه چیز را از خدا بداند مانعی ندارد: «فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُورِي الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ» (آل عمران: ۴۹).</p>	<p>۴. شفاعت این تیمیه گوید: من اعظم الشرك ان يستغيث الرجل بميت او غائب (به نقل از: كشف الارتباب، ص ۴۶۷).</p>
<p>۱- مخفی نماند که همه رقم توسلی که عوام انجام دهند، صحیح نیست؛ م مثل روشک کردن شمع، بستن کهنه و قفل به ضریح؛ اما اصل بوسیدن و دست کشیدن به ضریح اشکال ندارد، نه شرعاً و نه عقلاً. ۲- «أَذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَي وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا» (یوسف: ۹۳).</p>	<p>۵. بوسیدن ضریح</p>

۳. پاسخ‌گویی به شبهات با بهره‌گیری از روش تفسیر قرآن به قرآن

یکی از شیوه‌های ثابت استاد قرآنی در پاسخ به شبهات، به‌ویژه مواردی که زمینه قرآنی دارند، پاسخ‌دهی با کمک خود قرآن و بر اساس قاعده «القرآن یفسر بعضه بعضاً» می‌باشد. البته بدیهی است بهره‌گیری از این شیوه به جز از طریق انس دایمی و تسلط کافی بر قرآن و تفاسیر موضوعی حاصل نمی‌شود؛ برای نمونه در مورد شبهه نزول آیه تطهیر (احزاب: ۳۳) در خصوص غیر اهل بیت علیهم‌السلام و احتمال شمول آن بر زنان پیامبر علیها‌السلام در کنار پاسخ‌های مختلف، با استناد به آیات دیگر قرآنی از مفهوم جمله آیه ۴۰ سوره تحریم این گونه پاسخ می‌دهند:

۱۶۹



این آیه شامل زنان پیامبر نمی‌شود؛ زیرا آنها گاهی مرتکب گناه می‌شدند. در سوره تحریم می‌خوانیم: پیامبر رازی را به بعضی از همسرانش فرمودند و او امانت‌داری نکرد و به دیگری گفت. قرآن این عمل را گناه نامید: «إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا» (تحریم: ۴).

شاهد دیگر، تبیین مصداق آیه مهم «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» (نساء: ۵۹) می‌باشد. میان عالمان شیعه و اهل سنت همواره در خصوص مصداق و تطبیق واژه «اولی الامر» بحث و نزاع بوده است و عالمان به شیوه‌های مختلف و با کمک گرفتن از گزارش‌های تاریخی یا احادیث مذکور در کتب روایی در صدد پاسخ بر آمده‌اند. در این میان استاد قرآنی با کمک گرفتن از آیات مشابه به دنبال فهم این سؤال اساسی برآمده است که مصداق واقعی «اولی الامر» چه فرد یا افرادی می‌توانند باشند. برای این کار دست به مقابله مفهومی زده، آیاتی را مد نظر قرار می‌دهند که در آنها بر خلاف آیه مذکور در سوره نساء امر به عدم اطاعت شده است. استاد قرآنی با ارجاع‌دهی مخاطبان خویش به آیات عدم اطاعت همچون «لَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنافِقِينَ» (احزاب: ۱)؛ «لَا تُطِيعُ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ» (انسان: ۲۴) و «لَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ» (شعراء: ۱۵۱) مخاطبان خویش را به صورت غیر مستقیم، اما کاملاً اقناعی به این نتیجه می‌رسانند که ممکن نیست مراد از اولوالامر فردی

غیر از معصومان باشد. بخشی از بحث مفصل وی در این زمینه از قرار ذیل می‌باشد:

اگر ما مصادیق اولی‌الامر را سلاطین و رؤسای جمهور کشورها بدانیم که نه تنها معصوم نیستند بلکه گاهی سرآمد گنهکاران می‌باشند، پس باید از آنها فرمان‌برداری و پیروی کنیم. آیا این صحیح است که قرآن در یک آیه هم به ما سفارش کند که پیرو خدا و رسول باشیم و هرگز دور خلاف نگردیم و گناه نکنیم و هم سفارش کند که پیرو کسانی باشیم که هر روز صدها خلاف می‌کنند؟ اگر خیلی خوش‌بین باشیم، آنان گاهی مرتکب گناه می‌شوند که در این صورت مطیع آنها بودن یعنی گناه کردن. آیا چنین تناقضی از سوی خداوند حکیم پذیرفته است؟ بنابراین منظور از اولی‌الامر هر حاکم و صاحب قدرتی نیست. همان گونه که در این آیه فرمان «اطیعوا» داریم، در آیات دیگر، نهی «لاتطعوا» و «لاتطیعوا» داریم. خداوند در یک جا فرمان اطاعت از حاکمان می‌دهد و در جای دیگر می‌فرماید: اطاعت نکنید. تکلیف چیست؟ اگر منظور از «اولی‌الامر» هر صاحب قدرتی باشد، با این همه مواردی که خداوند از اطاعت آنان نهی فرموده، از اطاعت‌شوندگان چیزی باقی نمی‌ماند؛ مانند اینکه پزشک به بیمار بگوید: لبنیات بخور. بعد بگوید: ماست نخور، شیر نخور، پنیر نخور... پس اولی‌الامر باید امامان معصوم باشند که اطاعت از آن بزرگواران همان اطاعت از خدا و رسول باشد و هر گونه انحراف فکری و عملی در آنان نباشد... (قرآنی، ۱۳۸۹، ب، ص ۴۵۰).

۴. بهره‌گیری از ادبیات عرب در پاسخ به شبهات

برخی شبهات قرآنی با بهره‌گیری از قواعد ادبیات عرب با سهولت به مراتب افزونی قابلیت پاسخ‌دهی پیدا می‌کنند. استاد قرآنی به این مهارت توجه نشان داده و در مواقع مختلفی از آن بهره گرفته‌اند؛ از جمله در خصوص فهم مصادیق آیه تطهیر (احزاب: ۳۳). برخی در صدد برآمدن زنان پیامبر را مشمول این آیه قرار دهند؛ اما استاد قرآنی با اشاره به ضمائر

به کار گرفته شده در این بخش آیه و مقایسه آن با سایر بخش های آیه، نظر فوق را رد کرده، می نویسند:

در مورد اهل بیت ضمیر جمع مذکر به کار رفته که نشان غالب بودن مردان است، به خلاف جملات مربوط به زنان پیامبر ﷺ در سایر آیات که در آنها از ضمیر جمع مؤنث، «بِیُوتِکُنَّ، أَقْمِنَ - عَنکُمْ، یُطَهَّرُکُمْ» [احزاب: ۳۳] استفاده شده است (قرآنی، ۱۳۸۹، الف، ص ۴۹). توضیح افزون آنکه تمام ضمائر در آیه «وَقَرْنَ فِی بُیُوتِکُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَى وَأَقْمِنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا یُرِیدُ اللَّهُ لَیْذْهَبَ عَنکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهَّرَکُمْ تَطْهِیرًا» (احزاب: ۳۳) به صورت ضمیر جمع مؤنث به کار رفته است که مراد زنان پیامبر ﷺ هستند؛ اما در فقره پایانی و در کلمات «لَیْذْهَبَ عَنکُمْ وَیُطَهَّرَکُمْ» ضمیر به جمع مذکر تغییر یافته است و می دانیم که از نظر ادبیات عرب اطلاق جمع مذکر به مجموعه زنان و مردان ممکن است؛ ولی برای خصوص گروه مؤنث امری بعید است (ر.ک: مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۰۲)؛ بنابراین این تغییر ضمیر نشان دهنده آن است که مخاطب این قسمت از آیه متفاوت از قسمت ابتدایی آیه بوده و چنان که مفسران نیز اشاره کرده اند (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۶) فقره «انما یرید الله» مربوط به اهل بیت ﷺ می باشد و از آنجا که غالب افراد اهل بیت ﷺ مذکر می باشند، از ضمیر جمع مذکر استفاده شده است.

نمونه دیگر را می توان در خصوص شبهات درباره خاتمیت و ذیل یکی از آیات سوره اعراف مشاهده نمود که گویی منافی با مسئله خاتمیت است؛ چراکه در آیه از فعل مضارع استفاده شده است. [«يَأْتِيَنَّكُمْ» فعل مضارع دلالت دارد که در آینده نیز پیغمبرانی می آید]. استاد قرآنی به شبهه مذکور اشاره کرده، با کمک ادبیات عرب به آن پاسخ داده، می نویسند: ۱. فعل مضارع گاهی منسلخ از زمان مضارع است؛ مانند «زید یکرّم الضیف»؛ «لَا یَعْرُبُ عَنْهُ مِ ثِقَالُ ذَرَّةٍ» (سبأ: ۳) وَفَلَن یَعْمَلُ مِ ثِقَالٍ (زلزال: ۷)؛ همان طوری که فعل ماضی نیز منسلخ می شود. در همین آیه فعل «اتَّقَى وَاصْلَحَ» (اعراف: ۳۵)

منسلخ از زمان ماضی است. در آیه تنها مسئله لزوم پیروی در صورت وجود پیغمبر مطرح است و نظری به آینده ندارد، بلکه در مقام سنت جاریه الهی است و بس (قرآنی، نرم‌افزار مجموعه آثار، مجموعه فیش‌های تبلیغی (۳)، خاتمیت، ص ۳).

۵. سادگی و شفافیت در بیان و پرهیز از سست و مغلق‌گویی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های استاد قرآنی در تبیین و حل شبهات که چه بسا [با معیار قراردادن گستره مخاطبان] بتوان در این زمینه ایشان را سرآمد مبلغان عرصه دین معرفی کرد، ارائه موضوعات متنوع با بیانی شفاف و ساده و تبیین پاسخ‌هایی عالمانه، اما در عین حال به زبانی فراگیر و عامه‌پسند است؛ به گونه‌ای که غالب اقشار جامعه، چه از حیث سنی و چه از حیث علمی و فرهنگی و حتی طیف‌های سیاسی و اجتماعی، سخنان و پاسخ‌های ایشان را مورد توجه قرار می‌دهند. این مهم را می‌توان در بازنشر سخنان و مواضع ایشان در جامعه یا دعوت ایشان از سوی طیف‌های مختلف جامعه و در عرصه‌هایی کاملاً متفاوت و متمایز از حیث سنی، جنسیتی، علمی و کارکردی یا قومیتی مشاهده نمود.

حضور در میان رده‌های مختلفی از نظامیان، دانشجویان، حوزیان، استادان دانشگاهی، پرستاران، معلمان، کارگران، کارمندان، تولیدکنندگان، ورزشکاران، نوجوانان، جوانان دبیرستانی، بسیجیان، هنرمندان، مهندسان، صنعتگران، امدادگران و حتی حضور در جمع بیماران خاص چون معلولان و... یا سخنرانی در جمع‌های قومیتی و نیز امکان پخش عمومی غالب سخنرانی و درس‌گفتارهای استاد از سوی رسانه‌های عمومی، به‌خوبی گواه بر این ادعاست است که نوع ادبیات به‌کارگرفته‌شده از سوی استاد قرآنی مبتنی بر شاخصه مهم «سادگی بیان در عین علمیت کلام»، منجر به قابلیت جذب و ارتباط‌گیری با اقشار وسیع جامعه شده است. استاد قرآنی به این موضوع به

م. ثابته یک روش تبلیغی توجه داشته، مگوید:

برای تبلیغ حرف علمی را با بیان ساده باید گفت. وظیفه حضرت موسی علیه السلام ارشاد، تعلیم و تربیت و مبارزه ساده‌گویی بود، «وَاحْلُلْ عُقْدَهُ مِنْ لِسَانِي» (طه: ۲۷) نه سست‌گویی. حرف سست، بد است؛ اما حرف علمی باشد و بیان ساده. قرآن چند بار گفته «وَلَقَدْ يَسْرُنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ» (قمر: ۱۷)؛ یعنی آسان گفتم تا بدانید در آگاهی‌دادن، بسیج کردن، روحیه‌دادن نیروهای خودی و ارباب و تهدید نیروهای دشمن، اینها همه زبان بیان می‌خواهد (قرآنی، برنامه درسهایی از قرآن سال ۷۵، ص ۴).

در جای دیگری می‌گوید:

بیان نرم خیلی نعمت است. بعضی از بندگان خدا آدم‌های خوبی هستند؛ اما هرچه می‌خواهند روان صحبت کنند، نمی‌توانند؛ اما بعضی‌ها با کمال تأسف روان صحبت می‌کنند به هوای اینکه بگویند: استاد باسوادی است. حرف را پیچ می‌دهند. حالا یک طوری باشد که بیانم روان باشد. همه بفهمند. امام که صحبت می‌کرد در حسینیه جماران، تمام دنیا حرفش را می‌فهمید. بیان من را روان کن، «يَفْقَهُوا قَوْلِي»، حرف من را بفهمند.

ایشان همچنین در مورد نحوه ارتباط‌گیری با اقشار مختلف جامعه با بیانی ساده و همراه

با تمهید شیل مگی‌بند:

چون وقتی آدم می‌رود روی منبر، یک بچه تازه آمده، هیچی بلد نیست، یک پیرمرد هست که همه کارهایش را کرده و می‌خواهد «الغوث، الغوث» کند؛ یعنی یک کسی هنوز لخت نشده بیاید توی حمام، یکی صابونش را هم زده منتظر مشت و مال است، خوب ما حمامی چه کار کنیم؟ ما باید تفکیک کنیم» و درباره شیوه تجربه عملی تبلیغ خود نیز چنین عنوان می‌کنند: زمانی که پیش‌نماز رسمی بودم، قبل از ظهر می‌رفتم، بچه کوچولوها می‌آمدند، یک قصه از قصه‌های داستان و راستان یا مشابهش را می‌گفتم و می‌گفتم بچه‌ها به سلامت، بعد نماز می‌خواندم برای مردم. پنج دقیقه هم برای مردم صحبت می‌کردم. بعد می‌گفتم مردها بروید. زنها پشت پرده بودند. یکی دو مسئله احکام بانوان می‌گفتم. خوب ۲۰ سال پیش خانم دانشمند نداشتیم، بعد خانم‌ها می‌رفتند، جوانها می‌آمدند. آن وقت برای جوانها پاسخ به سؤالات داشتم (قرآنی، برنامه درسهایی از قرآن سال ۷۵، ص ۹).

۶. استقبال از شبیه و طرح آن با ادبیاتی قوی‌تر از طراح شبیه

یکی از نکات ظریف در پاسخ‌گویی به شبهات، نهراسیدن از اصل طرح شبیه و رفتن به

استقبال آن می‌باشد؛ به طوری که فرد قادر باشد شبهه را حتی بالاتر و برتر از طراح شبهه مطرح و سپس اقدام به پاسخ‌گویی کند. به طور طبیعی با اتخاذ چنین رویکردی، افرادی که در معرض شبهه قرار گرفته‌اند، با اطمینان و اقتناع افزون‌تری، استدلال پاسخ‌گو را خواهند پذیرفت. به نظر می‌رسد این موضوع مورد توجه استاد قزائنی نیز بوده است؛ لذا مشاهده شبهات مختلف را حتی با زبان و ادبیاتی قوی‌تر و روان‌تر از طراح شبهات مطرح کرده، پاسخ می‌دهند؛ برای نمونه به شبهه شفاعت اشاره می‌کنیم. این شبهه از دیرباز در کتب کلامی و تفسیری مطرح شده است و با بیان‌های مختلف و گاه دشوار علمی نیز پاسخ داده شده است؛ اما استاد قزائنی ادبیاتی روان و صریح به طرح اشکال و پاسخ پرداخته‌اند:

آیا شفاعت یک نوع پارتی بازی نیست؟ پاسخ: هرگز، زیرا:

- الف) کسی مورد شفاعت قرار می‌گیرد که با فکر و عمل، برای خود استحقاق شفاعت را ایجاد کرده باشد. بنابراین بر خلاف پارتی، شفاعت قانون و ضابطه دارد.
- ب) در شفاعت، حقی از بین نمی‌رود؛ ولی در پارتی بازی حقوق دیگران ضایع می‌شود.
- ج) شفاعت‌کننده از شفاعت‌شونده انتظاری ندارد، بر خلاف پارتی‌بازی که شخصی که کار را انجام داده است، انتظاراتی دارد.
- د) هدف شفاعت‌کننده رستگاری شفاعت‌شونده است؛ ولی هدف در پارتی‌بازی کامیابی دنیوی است (قزائنی، ۱۳۸۸، ص ۳۳۰).

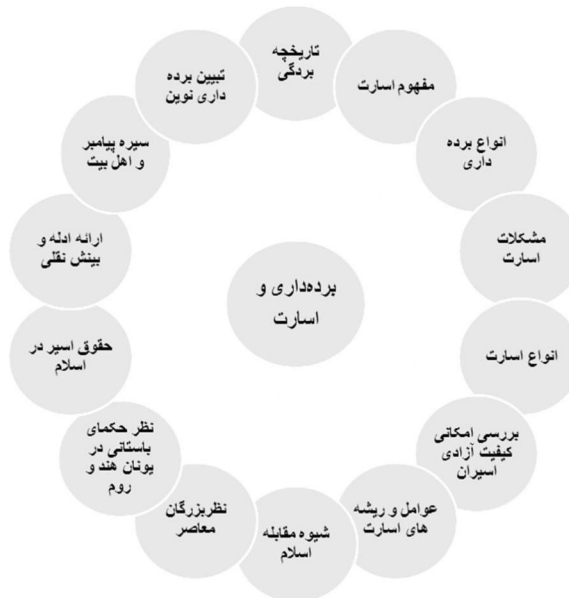
۱.۷. اتقان در پاسخ از طریق ارائه یک منظومه علمی

یکی از مؤلفه‌هایی که زمینه اتقان ادعا به‌ویژه در مقام پاسخ‌گویی به شبهات را فراهم می‌سازد، پاسخ‌دهی به شبهه بر اساس یک منظومه علمی منسجم می‌باشد؛ منظومه‌ای چند بعدی که محیط درباره موضوع شبهه را به‌خوبی روشن نماید، توجه به این نکته به عنوان یک روش در پاسخ‌گویی به شبهه از سوی استاد قزائنی مد نظر بوده است؛ برای نمونه زمانی که

می‌خواهند به شبهات معروف و مشهوری بپردازند که در سده حاضر پدرباره مسئله برده‌داری و اسارت مطرح گردیده و اینکه چرا اسلام به‌صراحت اصل برده‌داری را منع نکرده است، به ارائه ابعاد مختلف پیرامون این شبهه توجه داشته و با طرح زوایای مختلف این مبحث می‌کوشند به جای پاسخی اجمالی و سر بسته و به قول علمی پاسخ‌دهی برای صرف رفع تکلیف، مخاطب خویش را در جریان موضع کلان قرار می‌دهند تا مخاطب از بالا و به صورت جامع همه ابعاد مسئله را مد نظر داشته باشد و آن‌گاه با کمک انواع ادله، سؤالات و شبهات پیرامونی را به صورت اقتناعی پاسخ می‌دهند.

به عنوان نمونه، نظام پاسخ‌دهی ایشان در موضوع برده‌داری و اسارت، موضوعی که در عصر حاضر و به دلیل ناسازگاری با خوانش‌های اومانستی به‌ویژه اعلامیه حقوق بشر از اهمیت بسزایی برخوردار است، در قالب منظومه ذیل مورد توجه قرار گرفته است:

۱۷۵



شکل ۱. ارائه منظومه تلویینی استاد قرآنی درباره پاسخ به شبهات برده‌داری در تبیین یکی از مباحث فوق یعنی کیفیت برخورد با اسرای جنگی، این گونه و از حیث منطقی به رد

و اثبات عقلی احتمالات و صور قضیه می‌پردازند (ر.ک: قرآنی، نرم‌افزار مجموعه آثار، مجموعه فیش‌های تبلیغی (۱)، اسیر، ص ۳):

با اسرای جنگی چه کنیم: [تصویر راهکارهای ممکن:]
الف) آزادی مطلق و فوری
اشکالات: اولاً قهراً به قوم خود برگشته و تجدید قوا کرده و دوباره جنگ به پا می‌کنند. ثانیاً از تربیت تدریجی که به خاطر تحت نظارت مسلمانان بودن، عایدشان می‌شود، محروم می‌مانند.
ب) همه را یکجا جمع و به کارهای اجباری تحت نظارت واداریم
اشکالات: - بهره آنان از تربیت و آشنایی با اسلام کم است؛ چون سروکار آنان با مأموران است. - ممکن است باز همدیگر را تشویق و قدرتشان را متمرکز کنند. - بودجه سنگینی برای نظارت این اجتماع لازم است که...
ج) بردگی خصوصی موقت، تا زمان اسلام آوردنشان
اشکالات: - مردم علاقه به مال دارند. ممکن است ببینند اسلام آوردنشان سبب آزادی بردگان می‌شود از اسلام آنها جلوگیری کنند. - بردگان به منظور رهایی، اسلام ظاهری آورده، بعد حیلہ کنند. - انتظار رهایی، دشمن را تقویت می‌کند.
د) کشتن اسیر
اشکالات: امری ناجوانمردانه است

نظر اسلام هم همین است؛ اما دو اشکال به این نظریه اسلام وارد است: اولاً نام‌برده کوبیدن شخصیت است. در جواب می‌توان گفت رسول الله ﷺ فرمودند: نگوئید برده‌ام، بلکه بگوئید پسر. ثانیاً برای همیشه چرا برده باشند. در جواب می‌توان گفت: قوانین اجباری و غیر اجباری جوری تنظیم شده که قهراً به عللی آزاد می‌شود...

بدین ترتیب دایره کاملی از اطلاعات پیرامونی هدف در افق دید مخاطب گشوده شده است و می‌توان مدعی بود که ارائه چنین منظومه جامع و گسترده‌ای از موضوعات درباره برده‌داری و اسارت و طرح احتمالات عقلی و اشکالات آنها و ارائه نظرات عالمان در دوره‌های تاریخی روی هم رفته به تقریر و تحلیل دقیق محل شبهه منجر شده و در چنین شرایطی ضریب اقناع ذهن شبهه‌گر، به طور طبیعی افزون خواهد شد.

۸. بهره‌گیری از منابع علمی متعدد

استاد محسن قرآنی در وهله نخست به عنوان یک معلم قرآن و معارف دینی شناخته می‌شوند و اقتضای این امر، آشنایی و تسلط به منابع مرتبط با قرآن همچون علوم تفسیری و ادبیات عرب است. تحقیق و تفحص حتی اجمالی در مجموعه آثار ایشان به‌خصوص مضبوطات سندی ایشان، حاکی از مراجعه متعدد ایشان به تفاسیر متعدد شیعی و اهل سنت و دیگر منابع مرتبط آشنا یا گمنام در حوزه علوم قرآن و معارف دین در جهت فهم قرآن، شناخت و حل مسائل و شبهات می‌باشد. اما نکته مهم‌تری که به نوعی از چگونگی امکان حضور علمی ایشان در فضای‌های متفاوت و پاسخ‌دهی به انواع شبهات رمزگشایی می‌نماید، در عدم اکتفای ایشان به منابع صرف معارفی و علوم قرآنی نهفته است. این مهم با مشاهده آدرس و اسامی کتاب‌های ثبت‌شده در مجموعه فیش‌های تبلیغی ایشان آشکار می‌شود. در این مجموعه می‌توان انواع و اقسام کتب مرتبط در حوزه علوم انسانی را ملاحظه کرد. از منابع

کهن عمومی و تخصصی در حوزه ادیان، تاریخ، کلام، حدیث، تراجم، لغت، ادبیات عرب و پارسی تا کتاب‌ها و تحقیقات معاصر در عرصه دین، انسان‌شناسی و ارتباطات که در سال‌های اخیر عرضه شده‌اند. بنابراین مراجعات و مطالعات وسیع استاد ذّائتی در حوزه‌های متنوع را می‌توان به عنوان عامل یا ابزاری اساسی در امکان پاسخ‌گویی ایشان به شبهات و سؤالات مد نظر قرار داد.*

۹. زمان‌شناسی و حضور به موقع در صحنه پاسخ‌گویی به شبهات

همان گونه که ارزش و جایگاه حقیقی فردی که در منصب نجات‌گریقی فعالیت می‌کند، در بحبوحه طوفان‌ها و هجوم امواج اقیانوس‌ها روشن می‌گردد، ارزش واقعی فردی هم که در موقعیت پاسخ‌گویی به شبهات دینی قرار دارد، زمانی عیان می‌شود که بتواند در همان نخستین ایام وقوع شبهه که دشمنان خارجی و منافقان داخلی در حال سست یا نابود کردن نیروهای فکر و اندیشه امت به‌ویژه جوانان هستند، وارد صحنه شده و پاسخ‌های خویش را به ثابته سپری در برابر شبهاتی که به سان تیرهایی زهرآگین اذهان مردمان ناآگاه را هدف گرفته‌اند، قرار داده، این گونه از مرزهای ایمان و عقیده صیانت نماید.

مروری بر زندگی پربار استاد ذّائتی و فراز و نشیب حیات ایشان در تحولات سیاسی-اجتماعی پرده از این مهم بر می‌دارد که از ویژگی‌های علمی قابل توجه وی در طول این سال‌ها که بر جایگاه علمی و عملی ایشان صحنه می‌گذارد، زمان‌شناسی و حضور مؤثر و به‌موقع وی در عرصه پاسخ به شبهات است؛ به گونه‌ای که در موقعیت‌هایی که برخی عالمان و متدینان نامی به واسطه شرایط خاص زمانه سکوت اختیار کرده یا خود اسیر شبهات شده‌اند، استاد ذّائتی وارد صحنه شده و اقدام به پاسخ‌گویی بجا و به‌موقع کرده‌اند.

* اسامی منابع مورد استفاده استاد در طول سالیان مدید، بسی زیاد و بیرون از حدود این مقاله است و خوانندگان محترم می‌توانند برای اطلاع به مجموعه آثار استاد محسن ذّائتی و نرم‌افزارهای مرتبط مراجعه نمایند.

شاهد م. مغلای متعددی در این زمینه می‌توان ارائه کرد؛ برای نمونه و در تطبیق درس‌گفتارهای تبیینی استاد با وقایع زمانه ملاحظه می‌کنیم که در نخستین ایام پیروزی انقلاب اسلامی و زمانی که مشاهده می‌کنند مرزهای فکری جامعه مورد هجوم انواع ایدئولوژی‌های شرقی و غربی و شبهات مارکسیستی، کمونیستی و دیگر نحله‌های فکری واقع شده است، روشنگری درباره اصول و ارکان اسلام حقیقی و تشریح تفاوت‌های جهان‌بینی مادی و معنوی را مورد توجه خاص قرار می‌دهند (ر.ک: قرآنی، نرم‌افزار مجموعه سخنرانی‌ها و برنامه درسهایی از قرآن، سال ۱۳۵۸) و آن‌گاه که مرزهای جغرافیایی میهن اسلامی، عرصه تاخت و تاز دشمنان قرار می‌گیرد، با بیان متین و استوار خویش، اقشار جامعه را نیز به سوی فرهنگ جهاد و شهادت فراخواند و به علاوه خود نیز در صف کنار رزمندگان میدان نبرد حاضر می‌شوند (ر.ک: همو، نرم‌افزار مجموعه سخنرانی‌ها و برنامه درسهایی از قرآن، سال ۱۳۶۳).

زمانه‌ای دیگر و در شرایطی که مسلمانان با سخنان سخیف سلمان رشدی و فتوای مهم ۱۸۸ خمینی (ره) در مورد لزوم قتل وی مواجه گردیده و کشورهای غربی امت اسلام را تهدید می‌کردند، در این وادی نیز شبهات تازه‌ای از سوی منافقان و رسانه‌های تبلیغاتی مستکبران بر جامعه اسلامی وارد می‌گردید. در آن اوضاع و شرایط ملاحظه استاد قرآنی در صحنه تبلیغ حاضر گردیده و در جلسات متعدد، ابعاد موضوع را از زوایای مختلف برای اقشار مختلف جامعه به‌ویژه جوانان بسط و شرح می‌دهند (ر.ک: همان، سال ۶۸-۷۰).

در وقایع سهمگینی که پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ و تا حدود یک سال پس از آن رخ داد و جامعه با شبهات جدیدی در زمینه حکومت و انقلاب اسلامی و نقش عوام و خواص مواجه گردید، بار دیگر شاهد حضور تبلیغی و تبیینات روشنگرانه وی مبتنی بر قرآن و معارف اهل بیت علیهم‌السلام درباره ماهیت فتنه، عوامل درونی و بیرونی فتنه، راه‌ها و ابزار فتنه و زمینه‌های فریب مردم هستیم که مجموعه آنها نقش مهمی در زدودن غبار فتنه و پاسخ به شبهات دینی مقارن با آن ایام داشته است (ر.ک: همان، سال ۸۸-۸۹).

در این اواخر نیز که اتفاق مهم و کم سابقه‌ای به نام بیماری کرونا پدیدار گشت که همه جهان را درگیر خود نمود و در فضایی ناامیدکننده و متأثر از شدت ابتلا و مرگ و میر، در بسیاری از جوامع شبهات متعددی درباره نقش مجموعه دین در حل و فصل این چالش عظیم مطرح گردید، این چالش در خصوص دین اسلام و حاملان و مدافعان آن و حتی نقش و وظایف امام عصر (عج) و نیز اماکن دینی در مقابله با کرونا به صورتی حتی شدیدتر از دیگر ادیان و مذاهب بروز پیدا کرده و سؤالات و شبهات مختلفی از سوی مردم و اقشار علمی به‌ویژه روشنفکران مطرح گردید و زمینه مناسبی برای سم‌پاشی فکری غرض‌ورزانی که به دنبال کم‌رنگ کردن یا حذف دین از جامعه بودند، فراهم شد؛ شبهاتی که به کمک ابزارهای نوین ارتباطی به سرعت در همه محافل منتشر می‌گردید.

در کوران این وقایع، نحوه مواجهه محافل و پاسخ‌گویان دینی با این فضای سرد و آمیخته با ترس و ابهام و تلقین انواع عقاید و راهبردهای دینی، طبی و پزشکی و سیاسی نیز کاملاً متفاوت بوده است، برخی به طور کلی منکر نقش دین در این گونه مسائل و معضلات شدند، برخی سکوت کردند تا پس از اتمام ماجرابی که پایان آن نیز نامشخص است، به سخن آمده و اظهار نظر آیند. برخی نیز به ارائه پاسخ‌هایی سطحی و نه چندان معتبر یا گفته‌هایی معارض با قواعد عقل و اندیشه و همسو با خرافه‌گرایی پرداختند. در این میان ملاحظه می‌کنیم که شخصیتی همچون استاد فزائتی جزو اندیشه‌ورزانی بودند که در حدود بضاعت علمی خویش وارد صحنه شده و به شکلی وزین و مقبول عقل و منطق و متکی بر منابع اصیل معرفتی به رفع پاره‌ای از شبهات علیه دین و اهل بیت علیهم‌السلام و صیانت از این حوزه

در جدول ذیل به گفتارهایی از ایشان در زمینه پاسخ به شبهات مطرح شده در فضای متأثر از انتشار ویروس مرگ‌بار کرونا اشاره شده است (همان):

سؤال: نقش دین در مواجهه با کرونا چیست؟

پاسخ: دین، امام خمینی می‌سازد، قاسم سلیمانی‌ها می‌سازد. ما فکر می‌کنیم که چون جمهوری اسلامی است، نباید مشکل داشته باشیم، نباید بیماری داشته باشیم. این تفکر اشتباه است... معنای دین این نیست که هیچ کس هیچ غصه‌ای نداشته باشد... دین درمان و پروه‌های باطنی، مثل حرص و بخل و نفاق است. کارکرد دین چیز دیگری است. انبیا و اوصیا که مؤمن‌ترین افراد بودند، گاهی بیشترین سختی‌ها را داشتند، مانند حضرت ایوب؛ گاهی در اوج قدرت و رفاه بودند مانند حضرت سلیمان؛ ولی در قرآن در سوره صاد تابلویی از این دو پیامبر در کنار هم قرار گرفته و درباره هر دو می‌فرماید: «نِعْمَ الْعَبْدُ». امام حسین علیه السلام گاهی در کودکی روی دوش پیغمبر بود و در کربلا زیر سم اسب؛ ولی آنچه امام حسین علیه السلام را عزت بخشید، راضی بودن به همه شرایط تلخ و شیرین بود.

آیا ویروس وارد حرم امام می‌شود؟

پاسخ: حرم که ساختمان است، ویروس وارد بدن امام هم می‌شود. مگر امام رضا علیه السلام با زهر به شهادت نرسید؟ مگر امام حسین علیه السلام زیر سم اسب نرفت؟ مگر با خنجر سر از بدن مطهر امام جدا نکردند؟ امام علم غیب دارد، معجزه دارد، قدرت دارد، دعایش مستجاب است؛ اما همه اینها در گرو اذن خداوند است و هر کجا که خدا گفت، به کار برده می‌شود. در طبیعت قوانینی در جریان است که تغییر آن به دست اهل بیت علیهم السلام امکان‌پذیر است، ولی فقط با اذن و اراده الهی.

چرا در این شرایط کرونایی امام زمان علیه السلام کاری نمی‌کند؟

پاسخ: من از شما می‌پرسم زمانی که سامرا بمب‌گذاری شد، چرا امام زمان علیه السلام کاری نکرد؟

من از شما می‌پرسم قبر امام مهم‌تر است یا خود امام؟ مگر همه ائمه ما شهید نشدند؟ مگر امام عسکری علیه السلام به شهادت نرسید؟ چرا امام زمان علیه السلام کاری نکرد؟ ما چهار نوع تبلیغ داریم: تبلیغ سمعی، بصری، سمعی-بصری و یک تبلیغ عملی هم داریم. بهترین تبلیغ عملی است. امامان ما بهترین الگوهای تبلیغ هستند و این بهترین الگوها در سخت‌ترین شرایط از نفرین و دعا و علم غیب و قدرت‌هایی که داشتند، استفاده نکردند

(<https://rasekhoon.net/media/show/> ۱۵۱۸۱۲۵)

نتیجه

روشنگری و پاسخ به شبهات یکی از مطالبات مهمی است که در حوزه آموزه‌های معرفتی اسلام، از عالمان دین مطالبه شده است. استاد محسن قرائتی نیز با اهتمام بر این امر، در طول سالیان طولانی فعالیت تبلیغی خویش، گام‌های مؤثری در جهت رفع شبهات از جامعه هدف خویش برداشته‌اند. بازخوانی کلمات و گفتارهای استاد تا حدود زیادی بازگوکننده برخی ویژگی‌های ایشان در عرصه پاسخ‌گویی به شبهات است که می‌تواند به ثابۀ الگوی راهبردی سایرین مبلغان نیز واقع شوند؛ چنان‌که از منظری می‌توان چهار مؤلفه شاخص را از نوع پاسخ‌های استاد استخراج نمود؛ مؤلفه نخست در خصوص «فنون و سبک پاسخ به شبهات» است که در این وادی می‌توان به سرفصل‌هایی چون توجه فراوان به فن تشبیه متناسب با سن و نوع و مقتضیات مخاطب، بهره‌گیری از روش تفسیر قرآن به قرآن و نیز استفاده حداکثری از عنصر بیان صریح، ساده و شفاف به گونه‌ای که نه به بهانه عوام‌بودن مخاطب به ورطه سستی یا دوری از ادب و متانت در کلام بیفتند و نه دشوار، پیچیده و مبهم‌گویی را وسیله اظهار فضل خود قرار داده‌اند، اشاره کرد و البته نتیجه اتخاذ این گفتمان، افزایش و گسترده‌گی مخاطبان بوده است.

دومین مؤلفه مهم در این زمینه، توجه ایشان به «ابزارهای علمی متقن و مستند» و عدم

۱۸۲

پیشرو

سال اول / شماره اول / تابستان ۱۴۰۱

اکتفای صرف به منابع خام تفسیری و روایی می‌باشد؛ چنگک در این وادی شاهد کثرت استناددهی ایشان به منابع مختلفی از حوزه علوم دینی پایه همچون ادبیات عرب گرفته تا متون معرفت دینی مبتنی بر شواهد و واکاوی‌های عقلی و نقلی و نیز بهره‌مندی از انواع مأخذ تاریخی، سیاسی و اجتماعی و مشتمل بر مستندات و تحلیلهای اعم از درون و برون دینی هستیم.

مؤلفه سوم آنکه در این وادی از «منشأشناسی شبهه» شبهات غافل نبوده و در مواردی با یا بدون ذکر نام و نشان گروه‌های فکری نام‌آشنا و مؤثر بر اندیشه و ضمیر جامعه، اقدام به پاسخ‌گویی به شبهات این جریان‌ها به‌ویژه در موارد متعدد و با بهره‌گیری از متون اصیل و مقبول نزد همان گروه‌ها - همچون شبهات وهابیت - نموده‌اند؛ چهارمین مؤلفه حائز اهمیت در مسلک پاسخ‌گویی ایشان، توجه به عنصر ارزشمند «موقعیت و زمان‌شناسی» در پاسخ به شبهات است که بدون تردید این شاخصه، نشانه مهمی از تسلط علمی، کارآمدی و امعان نظر یک شخصیت دینی می‌باشد. در این راستا و بر خلاف برخی چهره‌های نامدار علمی که در وقایع سهمگین سیاسی - اجتماعی، رویکرد سکوت و ترک صحنه را بر می‌گزینند، وی عقب‌نشسته و در همان روزهایی که گروه‌های منحرف یا معاند از طریق رسانه‌های فراگیر، اقشار جامعه را آماج انواع شبهات قرار دادند و در فضایی که نیاز شدیدی به رفع شبهات فتنه‌انگیز توسط شخصیت‌های اثرگذار احساس شده است، ایشان در صحنه حاضر شده و با مستندات، برداشت‌ها و بیانی عمدتاً قابل دفاع از منابع اصیل معرفتی، ذهن‌های تشنه را سیراب نموده‌اند. هرچند نمی‌توان ادعا داشت که پاسخ‌های ارائه‌شده توسط ایشان همواره جامع و خالی از نقص بوده است، اما هر یک از این پاسخ‌ها در بستر زمانی و مکانی خویش تا حد مقبولی، حال به صورت نقضی یا حلی، مخاطبان را به بستر افتخار نزدیک کرده یا دست کم به گونه‌ای مطرح شده که مخاطب را به تأمل، تحقیق و مطالعه افزون درباره آن شبهه واداشته و ایشان را از ورطه فرورفتن در آن چالش دور داشته است.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

** نهج البلاغة (للصبيحى صالح)؛ ط ۱، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.

*** نهج البلاغة (فيض الاسلام اصفهانی)؛ ترجمه و شرح علی نقی فیض الإسلام؛

چ ۵، تهران: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام، ۱۳۷۹.

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول عن آل الرسول ﷺ؛ چ ۲، قم: جامعه مدرسین ۱۴۰۴ ق/۱۳۶۳ ش.

۲. ابوجیب، سعدی؛ القاموس الفقہی لغة و اصطلاحا؛ ط ۲، دمشق: دار الفكر، ۱۴۰۸ ق.

۳. تہانوی، محمد علی بن علی؛ کشف اصطلاحات الفنون و العلوم؛ ط ۱، بیروت: مکتبہ لبنان ناشرون، ۱۹۹۶ م.

۴. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة؛ ط ۱، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۳۷۶ ق.

۵. حمیری، نشوان بن سعید؛ شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم؛ ط ۱، دمشق: دار الفكر، ۱۴۲۰ ق.

۶. خسروانی، علیرضا؛ تفسیر خسروی؛ چ ۱، تهران: کتابفروشی اسلامیہ، ۱۳۹۰ ق.

۷. شاکرین، حمیدرضا؛ چرا دین؟ چرا اسلام؟ چرا تشیع؟؛ چ ۱، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۰.

۸. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ چ ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.

۱۸۴

پیشرو

سال اول / شماره اول / تابستان ۱۴۰۱

۹. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ ط ۱، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
۱۰. قرآنی، محسن؛ تفسیر سوره احزاب؛ چ ۲، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۹، الف.
۱۱. -----؛ اصول عقاید؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۹، ب.
۱۲. -----؛ پرتوی از نور؛ چ ۲، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸.
۱۳. -----؛ پرسش و پاسخ‌های قرآنی؛ چ ۲، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۹، ج.
۱۴. -----؛ تفسیر نور؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۹، د.
۱۵. -----؛ قرآن و تبلیغ؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۹، ه.
۱۶. قرشی بنایی، علی‌اکبر؛ تفسیر احسن الحدیث؛ چ ۱، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۵.
۱۷. گرمی، البرز و دیگران؛ «روش‌شناسی پاسخ‌گویی به شبهات با استفاده از مؤلفه‌های عقلی در سیره امام صادق (ع)»، فصلنامه کلام اسلامی؛ س ۲۹، ش ۱۱۴، ۱۳۹۹.
۱۸. محمدی ری‌شهری، محمد؛ شناخت‌نامه قرآن بر پایه قرآن و حدیث؛ چ ۱، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، ۱۳۹۱.
۱۹. مکارم شیرازی؛ ناصر؛ تفسیر نمونه؛ چ ۱، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۲۰. مصطفوی، نفیسه؛ تبیین و نقد نظریه ماده و صورت در فلسفه اسلامی و مقایسه آن با فیزیک کوانتوم؛ چ ۱، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۷.